



نقدی را که دوستانی در یک شبکهٔ اجتماعی به

نقل از اکونومیست بر کتاب خاتم «حنا روزین»، به‌نام «پایان مردان؛ و صعود زنان» ترجمه کرده بود، می‌خواندم. نگاهی به جامعه آمریکایی بود. اما لابد می‌دانید که ما لازم است گاهی داوطلب شویم و وضع خودمان را با وضع دیگرانسی که مطلوب می‌پنداریم، مقایسه کنیم. البته کم پیش می‌آید به مطالبی از این دست که مغرضانه نوشته‌نشده‌باشند بر بخوریم. در ایران امروز، زن و مرد و کوچک و بزرگ همه دست به دست هم داده‌اند تا خانواده را از بحران اقتصادی برهاند.این دیگر داوطلبی نیست.این یک اجبار است، اما خوب است که بدانیم در برخی موارد مادر کجای جهان ایستاده‌ایم؟

این حقیقت دارد که زنان پیش از هر زمانی به در آمد خانوار کمک می‌سازند. آنان در سر تاسر جهان بر دانشگاه‌ها مسلط شده‌اند. در کره جنوبی زنان بیش از مردان در امتحان «سرویس خارجی» پذیرفته می‌شوند که باعث شد تا وزارت خارجه یک حداقل ظرفیت برای مردان در نظر بگیرد. در برزیل نزدیک یک‌سوموزن بیش از یاختن‌اند در حالی که کسب می‌کنند، پدیده‌ای که منجر شده است تا مردان گروه‌های حمایتی در کلیسا تشکیل دهند و خودشان را «مردان گریان» بنامند.

مردان؛ و صعود زنان»: از یکی از مقالاتی که برای این مجله نوشته بود،الهام گرفتم است، تصدیق می‌کند که مردان به این زودی‌ها منقرض نخواهند شد. اما زنان امروزه در حال برتری یافتن‌اند در حالی که مردان دارند سقوط می‌کنند. به‌عنوان بخشی از تحقیقاتش، خاتم روزین به گوشه‌های بسیاری از آمریکا سفر کرده‌است که در میان آنها ایالات آلاباما قرار دارد. جایی که میانگین درآمد زنان ۴۰درصد از مردان بیشتر است و مردان تشویق می‌شوند که شیبه‌سازهای مجازی تماشا کنند تا یاد بگیرند چگونه می‌توانند شغل پیدا کنند.

بحران اقتصادی به‌خصوص با مردان نامهربان بوده است. سه چهارم ۷۵میلیون آمریکایی‌ای که شغل شان را در زمان رکود از دست داده‌اند، از میان مردان بوده‌اند به‌طور مدتی در صنایع مذکر مثل ساختمان، ساخت و تولید و فابریانس فعالیت می‌کردند.

کتاب پر از قصه‌هایی از کسانی است که تلاش می‌کنند تا اتفاقی که رخ داده را برای خودشان قابل درک کنند. فرض یک مرد می‌گوید: «ساید هیچ مردی از همسری نداشته باشد که به همان میزانی که او از تربیت بالا رفته، خودش پایین رفته باشد.» یا شخص دیگری که از درآمدهای همسرش آزرده خاطر شده، شکایت می‌کند که «مام چیزهایی که لازم است که ما در آنها خوب باشیم تا در دنیا پیشرفت کنیم، مواردی هستند که دوستان و رفقای من در آن بهتر از من هستند.»

یک کمیاتی خدماتی به ارتباطات و سنز گاری پاداش می‌دهد، کیفیت‌هایی که زنان احتمال بیشتری دارد آنها را داشته باشند. تنها ۳درصد مردان در حالی که همسرانشان در حال پشتیبانی کردن از خانواده هستند،به‌طور تمام‌وقت مسئولیت بزرگ کردن بچه‌ها را قبول می‌کنند. در مقابل بسیاری از مردان، و به‌خصوص مردان جوان، به‌داخل دنیای بازی‌های ویدیویی، میگساری و «نوجوانی به‌طور انجمیده» عقب‌نشینی کرده‌اند. پدیده‌ای که به‌عین «گایلند» شناخته می‌شود و در سال ۲۰۰۸ در کتابی که توسط جامعه‌شناس آمریکایی مایکل کیمل منتشر شده، دربرایش صحبت شده است.

اما آنچه که برای مردان رخ می‌دهد تاثیرات بزرگی هم برای زنان دارد و همچنین بلعکس. بسیاری از زنان فقیری که تحصیلکرده نیستند و مجبور به ازدواج می‌شوند، باور دارند که مرد به‌سادگی یک وزنه پایین کشنده و هجان اضافی دیگری برای سیر کردن است. در مقابل زنان ثروتمندتر و تحصیلکرده روابط بسیار رضایت‌بخش تری را تجربه می‌کنند که در آن مسئولیت‌ها به‌مدرسان تقسیم شده است. هر کدام مشکلات را در زمان‌های گوناگون برطرف می‌کنند. خاتم روزین این پدیده را «زدواج الکلنگی» نامیده است. یک دلیل صعود زنان این است که مردان در آمد باننشنگی بیشتر، سلامت بهتر و ازدواج مفرح تری دارند.

خاتم روزین تلاش می‌کند تا استدلال کند دنیا «مادرسالاری» را در آغوش کشیده است اما آمار، تئوری اورا تأیید نمی‌کند. تنها ۳درصد رنوسای ۵۰۰ شرکت برتر به نقل از نشریه فورچون، زن هستند. همچنین تنها ۲۰درصد رؤسای کشورهای جهان می‌کنند کتاب او عنوان نامناسبی را انتخاب کرده است، اینگونه رد می‌کنند: «مردان برای ۴۰هزار سال مسئول بوده‌اند وزنان در حدود ۴۰سال هست که تلاش کرده‌اند تا آنها را به حاشیه برانند. بنابراین بدیهی است که همچنان موانعی در بالا وجود داشته باشد»

و همچنین از رویکرد جزئی گرایانه اجتناب می‌کند و پدیده‌های در مورد آمریکا را به کل جهان

بسط می‌دهد. برای مثال او ذکر می‌کند که بیش از ۴۰درصدبیزینس‌های خصوصی در چین متعلق به زنان است و در بسیاری از کشورها والدین ترجیح می‌دهند که فرزند دختر داشته‌باشند.اما هیچ جایی اشاره نمی‌کند که سطح جنین دختران همچنان به‌عنوان یک مفضل عظیم در هند و چین باقی مانده است. «پایان مردان» کتابی قابل توجه است اما برای طرز فکر آمریکایی امروز دراز نماند.

اول:

تیم فوتبال پرسپولیس در حضور ۱۰۰ هزار تماشاگر روز شگاه آزادی توانست تیم النصر عربستان را با شکست بدرقه کند. تک گل این دیدار را مهدی طارمی با یک ضربه چسبپا از روی نقطه پنالتی وارد دروازه النصر کرد. باز یکتان النصر عربستان در این دیدار با لباسی شبیه به لباس نطنمایان بازی کردند. اما نکته جالب توجه خوشحالی پس از گل طارمی بود که وی ۴ بار با کشیدن دست خود به زیر گردنش به‌علامت سر بریدن،به‌نوعی خوشحالی گل باز یکتان النصر عربستان را در دیدار رفت تاختی کرد.

دوم:

مهدی طارمی پس از پایان بازی در اینستاگرامش نوشت:
هی فلاتی! اگه تو پلیسی ما پرسپولیسیم و پس از آن بود که کاربران عربستانی به صفحه وی حمله کردند. کاربران عربی اینستاگرام به سبک برخی کاربران وطنی در این جور مواقع، آدرس پیج مهدی طارمی را پیدا کردند و در کامنت‌های فراوانی با الفاظ رکیک نسبت به این حرکت طارمی، اعتراض خود را نشان دادند.

سوم:

یک منتقد ورزشی می‌نویسد:
موضوع سخیف کس بریدن تیتیر یک روزنامه‌های ورزشی شده است. بچه‌های ما یکصدای می‌گویند «حرکت حریف در بازی رفت را جبران کردیم.» مگر قصاص است؟ شاید باز یکتان النصر در بازی رفت برهنه می‌شدند. به ما چه؟ سر بریدن کار داعش است نه ما. ادای سر بریدن حتی در قالب تمثیل، کنایه، شوخی، استعاره و هر چی، برای فوتبال قبیح است. خصوصا که در این جنگ‌های غیرفوتبالی، همیشه آخر سر ماییم که بازنده‌ایم. زیرا میز ریاست، قضاوت و نظارت در فوتبال آسیا متعلق به آنهاست که فکر می‌کنیم سرشان را بریده‌ایم اما همیشه هستند تا با پنبه سر بپرند.

چهارم:

شادی گل مهدی طارمی مهاجم تیم فوتبال پرسپولیس پس از گلی که شب گذشته به النصر عربستان زد با واکنش تند داریوش بزدانی، پیشگسوت باشگاه استقلال روبه‌رو شده است.



کتاب پر از قصه‌هایی از کسانی است که تلاش می‌کنند تا اتفاقی که رخ داده را برای خودشان قابل درک کنند. فرض یک مرد می‌گوید: «ساید هیچ مردی از همسری نداشته باشد که به همان میزانی که او از تربیت بالا رفته، خودش پایین رفته باشد.»

یا شخص دیگری که از درآمدهای همسرش آزرده خاطر شده، شکایت می‌کند که «مام چیزهایی که لازم است که ما در آنها خوب باشیم تا در دنیا پیشرفت کنیم، مواردی هستند که دوستان و رفقای من در آن بهتر از من هستند.»

یک کمیاتی خدماتی به ارتباطات و سنز گاری پاداش می‌دهد، کیفیت‌هایی که زنان احتمال بیشتری دارد آنها را داشته باشند. تنها ۳درصد مردان در حالی که همسرانشان در حال پشتیبانی کردن از خانواده هستند،به‌طور تمام‌وقت مسئولیت بزرگ کردن بچه‌ها را قبول می‌کنند. در مقابل بسیاری از مردان، و به‌خصوص مردان جوان، به‌داخل دنیای بازی‌های ویدیویی، میگساری و «نوجوانی به‌طور انجمیده» عقب‌نشینی کرده‌اند. پدیده‌ای که به‌عین «گایلند» شناخته می‌شود و در سال ۲۰۰۸ در کتابی که توسط جامعه‌شناس آمریکایی مایکل کیمل منتشر شده، دربرایش صحبت شده است.

اما آنچه که برای مردان رخ می‌دهد تاثیرات بزرگی هم برای زنان دارد و همچنین بلعکس. بسیاری از زنان فقیری که تحصیلکرده نیستند و مجبور به ازدواج می‌شوند، باور دارند که مرد به‌سادگی یک وزنه پایین کشنده و هجان اضافی دیگری برای سیر کردن است. در مقابل زنان ثروتمندتر و تحصیلکرده روابط بسیار رضایت‌بخش تری را تجربه می‌کنند که در آن مسئولیت‌ها به‌مدرسان تقسیم شده است. هر کدام مشکلات را در زمان‌های گوناگون برطرف می‌کنند. خاتم روزین این پدیده را «زدواج الکلنگی» نامیده است. یک دلیل صعود زنان این است که مردان در آمد باننشنگی بیشتر، سلامت بهتر و ازدواج مفرح تری دارند.

خاتم روزین تلاش می‌کند تا استدلال کند دنیا «مادرسالاری» را در آغوش کشیده است اما آمار، تئوری اورا تأیید نمی‌کند. تنها ۳درصد رنوسای ۵۰۰ شرکت برتر به نقل از نشریه فورچون، زن هستند. همچنین تنها ۲۰درصد رؤسای کشورهای جهان می‌کنند کتاب او عنوان نامناسبی را انتخاب کرده است، اینگونه رد می‌کنند: «مردان برای ۴۰هزار سال مسئول بوده‌اند وزنان در حدود ۴۰سال هست که تلاش کرده‌اند تا آنها را به حاشیه برانند. بنابراین بدیهی است که همچنان موانعی در بالا وجود داشته باشد»

و همچنین از رویکرد جزئی گرایانه اجتناب می‌کند و پدیده‌های در مورد آمریکا را به کل جهان بسط می‌دهد. برای مثال او ذکر می‌کند که بیش از ۴۰درصدبیزینس‌های خصوصی در چین متعلق به زنان است و در بسیاری از کشورها والدین ترجیح می‌دهند که فرزند دختر داشته‌باشند.اما هیچ جایی اشاره نمی‌کند که سطح جنین دختران همچنان به‌عنوان یک مفضل عظیم در هند و چین باقی مانده است. «پایان مردان» کتابی قابل توجه است اما برای طرز فکر آمریکایی امروز دراز نماند.



می‌شود انتقام گرفت و ملتی را شاد کرد. رفتار مهدی نه جنگ عرب و عجم بود نه فرقه، مذهب و ملیت که همه ما بر این باوریم که برادر و برابریم. این رفتار فریاد انسانیت بود تا یادآوری کند حرمت مهمان را باید پاسداشت که نداشته بودند و عجیب نیست اگر در مرزهای خودشان و در خانه‌هایشان، همه رستم باشند و این جادلیل تویی که همه تائب‌های روی هوا چرخیدنش یوی نشاط و غرور می‌داد. برای او این که از کودکی برایش قصه رئیس علی دلواری و دلبران تنگستان را الاایی وار خوانده‌اند، هنک حرمت ایرانی در داور است. برای دیگران را نمی‌دانم. پادمان نرود روشنفکری اگر ریشهش در خاک سرزمینش نداشته باشد درخت تبر خورده‌ای است که به‌سار هادی می‌افتد. شادی گل مهدی تقدیم به همه آنهایی که شب را با غرور خوابیدند. باقی بقیان.

ششم:

بسیاری از مردم کوچه و بازار عمل مهدی طارمی را در پاسخ به تجاوز دو مامور پلیس عربستان به دو نوجوان عمره گذار دانسته و آن را به‌موقع می‌دانند.
هفتم:

رضا صادقی، خواننده موسیقی پاپ در صفحه اینستاگرامش خواستار برخورد دلوایسان با موضوع تجاوز شد. او نوشته: «برادر کفتیوشم، سلام. حالت خوب است. قضیه تجاوز دو مامور رسمی عربستانی در رسمی ترین مرکز دولتی عربستان یعنی گیت بازرسی فرودگاه عربستان را شنیدی؟»
رگ غیرت می‌باد کرد؟»
مثال این که رگ غیرت تو هم انتخابی کار می‌کند؟ اگر این تجاوز توسط مامور اسرائیلی به یک نوجوان فلسطینی شده بود آن نصف ثبت‌نام برای اعزام به غزه بودی. راستی اگر بمیریم هم کم است. کجاپند آن کسانی که برای یک قدم‌زن طرفی با یک کری طلب مرگ می‌گردند. ایسا الان وقت مردن نیست

هشتم:

دکتر جیمز پاتر، نامی آشنا در حوزه سواد رسانه‌ای

در رسانه‌ها به نمایش درمی آید را مصداق خشونت نمی‌دانند. عموم مردم شرطی شده‌اند و تعریف بسیار محدودی از آن چه خشونت است را قبول کرده‌اند و رفتار به شدت خشونت‌آمیزی را که گاه با شوخی در هم می‌آمیزد و معمولا هم در بافتی کمتر واقع گرایانه ظاهری می‌شود را نادیده می‌گیرند. مردم عموما مقدار خشونت را کمتر از میزان واقعی آن ارزیابی می‌کنند و اگر تا به این حد در مقابل آثار منفی رسانه‌ها خنثی نبودند قطعا ر ویکر دانتقادی تری داشتند.

تولیدکنندگان برنامه‌های سرگرم‌کننده ادعا می‌کنند که خشونت‌نمایش داده‌شده فقط خشونت موجود در جامعه را بازتاب می‌دهد. به‌هر حال خشونت ترسیم شده در دنیای رسانه‌ها در مقایسه با الگوهای خشونت موجود در دنیای واقعی هم اغراق آمیز و هم تحریف‌شده‌است.

تولیدکنندگان خشونت‌رسانه‌ای نیز ادعایی‌کنند که آنها صرفا فایده خواست‌های بازار پاسخ می‌دهند. ادعا هم تا حدی صحت دارد. بله رسانه‌ها رویکرد تجاری دارند و باید نیازهای مصرف‌کنندگان خود را تأمین کنند. با این حال رسانه‌ها، بازارها را هم شکل می‌دهند و به این ترتیب آنها نیاز به خشونت را هم خلق می‌کنند و هم به آن دامن می‌زنند. بسیاری از تولیدکنندگان ادعا می‌کنند که خشونت عنصری لازم برای بیان داستان است. ولی این تضاد - و نه خشونت - است که عنصر لازم قصه گویم است. خشونت تنها یکی از ابزارهای است که می‌توان از آن برای خلق و افزایش تضاد استفاده کرد.

تولیدکنندگان خشونت رسانه‌ای پیوسته ادعا کرده‌اند که قانون اساسی، حامی مطلق حق آزادی بیان آنهاست، ولی این تحریف معنای واقعی قانون اساسی است. قانون اساسی حمایت از افراد در بیان باور و اعتقادات مذهبی خود(از گزند حکومت فدرال) را تضمین می‌کند. تفسیر واقعی قانون جایی برای حمایت از تجارتهایی که می‌خواهند کالاهایی را صرفا برای سود به فروش برسانند، باقی نمی‌گذارد. این گذاشتن محدودیت سنی راحل خشونت رسانه‌ای است؟ خیر زیرا مشکل مرتبط با خشونت رسانه‌ای یک مشکل سخت‌افزاری نیست و نمی‌توان آن را با گنجاندن دستورالعملی، که در تمامی برنامه‌ها ساخته شده لحاظ شود، حل کرد. مشکل خشونت رسانه‌ای بیشتر به نبود مسئولیت در برابر مصلحت عمومی مربوط می‌شود. چگونگی وضع نظام محدودیت سنی فقدان چنین مسئولیتی را در مجلس نشان می‌دهد: زیرا به این ترتیب به خشونت‌افزینان امکان داده‌است که نظام سطح‌بندی خاص خود را، به وجود آورند و تولیدات خود را سالم و بدون مشکل ارزیابی کنند. تولیدکنندگان بدون آن که مجازاتی در کار باشد قانون را دور زده و کل نظام محدودیت سنی را زیرپا می‌گذارند. ناپدید کردن قانون محدودیت سنی و اقامه به ایجاد نوع مورد نظر خود که حتی الامکان اطلاعات کمی در اختیار بینندگان قرار می‌دهد؛ مسئولیت‌ناپذیری تولیدکنندگان را نشان می‌دهد. در نتیجه تعداد بسیار کمی (اگر به هیچ کس) از سیستم سطح‌بندی شبکه استفاده می‌کنند.

نتایج بزرگ‌ترین پرسش‌ها در این باور باشد که از دست مردم برای کاهش این مشکل کار موثری بر نمی‌آید. مردم پیش از حد به دیگران - مثلا حکومت فدرال - وابسته‌اند و نمی‌توانند قوانین لازم برای حمایت از خود را وضع کنند. اگر مردم مشکل را بهتر بشناسند و اراده کنند که برخی از رفتارهای خود را تغییر دهند می‌توانند برای حمایت از خود در برابر آثار منفی کارهای بزرگ‌تری انجام دهند.

● ● ●

این ترتیب با مراجعه فریدریمانند نان اهدایی به دست‌و‌پای رسانده می‌شود. این طرح دفعه‌شناسایی نیازمندی‌ها و تقاضای مردم را از طریق حمایت‌های نهادهای مردم نهاد و NGOها رفع می‌کند. افراد نیازمند از طریق NGOها از خیرات ثبت‌شده مطلع شده و به‌ناوایی مراجعه می‌کنند.

به نظر می‌رسد این طرح نیازمند توجه و حمایت بیشتری است؛ باگانهٔ مختصری به‌سایت نیکی‌نان متوجه می‌شویم این طرح در آرازی تا عملی شدن در پیش دارد. مدتی چندین استنادی نیکی نان، ثبت و مجوز کردن ناوایی‌ها به این دستگانه‌ها؛ جمله مشکلات اولیه‌است که نیکی نان با آن روبه‌رو است. در راستای رفع این مشکلات گروه شرکت‌های کپشکان از هر گونه فعالیت داوطلبانه برای اجرای این طرح استقبال خواهد کرد. با مراجعه به سایت نیکی نان و برقراری ارتباط با مسئولان این طرح می‌توان به راه‌اندازی هر چه سریع‌تر آن کمک کرد.

**نهاد های بین المللی**

فراخوان برنامه روز کار داوطلبانه کارکنان

**روز کار داوطلبانه کارکنان چیست؟**

کارکنان شرکت‌ها و سازمان‌ها تحت عنوان «روز کار داوطلبانه کارکنان» یک روز در سال، در طول ساعات کاری خود فعالیت‌های داوطلبانه‌ای را انجام می‌دهند. مثلا می‌توانند به شکل گروهی در پروژه‌ای در اجتماع محلی خود همکاری کنند. این برنامه‌ها طیف وسیعی از فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری، محیط‌زیستی، اجتماعی و بهداشتی را شامل می‌شوند و در بسیاری از شرکت‌های دنیا به صورت برنامه‌های یک روزه و با عنوان Give and Gain Day برگزار می‌شوند. روز کار داوطلبانه کارکنان بخشی از برنامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شهروندان است که توسط مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی برای تشویق و حمایت از فعالیت‌های داوطلبی کارکنان در رفع مسائل و چالش‌های اجتماعی برگزار می‌شود. معمولا این برنامه‌ها در راستای استراتژی‌ها و اولویت‌های کسب و کارها تعریف می‌شوند. تا هم ارزش کار داوطلبی بیشتر باشد و هم ارزش مشترک خلق شده به هر سه گروه جامعه یعنی شرکت‌ها، کارکنان آنها و سازمان‌های مردم‌نهاد، دفع برساند.



**روز کار داوطلبانه کارکنان، چرا؟**

برنامه‌های داوطلبی نتایج مثبت متعددی برای سه گروه درگیر، یعنی شرکت‌ها، کارکنان آنها و سازمان‌های مردم نهاد در بر دارد. شرکت‌ها با مشارکت در چنین برنامه‌هایی هم شبکه ارتباطی خود را گسترش می‌دهند و هم کارکنان خود را در فرآیندهای شرکت بیشتر درگیر می‌کنند. در عین حال کارکنان هم با انگیزه بیشتری به تقویت مهارت‌ها و تخصص‌های خود می‌پردازند و از این که کارفرمای آنان به حوزه‌های علاقه‌مندی ایشان اهمیت داده، حس رضایت خواهند داشت؛ این حس رضایت، افزایش انگیزه و درنهایت افزایش وفاداری سازمانی را سبب خواهد شد. در طرف دیگر، جامعه نیز از کارهای داوطلبانه کارکنان بیشتر درگیر می‌کنند. در عین حال کارکنان با مشارکت و مسائل اجتماعی با شیوه‌های نوین و خلاقانه تا حدودی رفع شوند. علاوه بر این جوامع نیز به کار شرکت‌ها علاقه‌مند شده و نوعی ارتباط متقابل و همدلانه در میان این دو گروه شکل می‌گیرد و این خود به افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌انجامد.

**مزایای مشارکت در برنامه روز کار**

**داوطلبانه کارکنان**

شرکت در بخش جایزه بهترین طرح «کار داوطلبانه کارکنان» و مورد تقدیر واقع شدن در برنامه اختتامیه کمپین؛ توسط مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت‌شرکتی.

شرکت در جشنواره «برنامه داوطلبی کارکنان» (Employee Volunteer Award) انگلستان و ترکیه؛ (طرح‌های منتخب به این جشنواره فرستاده می‌شوند تا در مسابقه بهترین طرح داوطلبی کارکنان شرکت داده شوند).

تدوین آیین‌نامه یا دستورالعمل کار داوطلبانه توسط کارکنان برای شرکت شما به‌عنوان بخشی از برنامه مسئولیت‌اجتماعی شرکتی؛ توسط مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت‌شرکتی.

فهرست اولیه‌ای از فعالیت‌ها توسط مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی تهیه شده است. شما می‌توانید با مراجعه به آن، با یکی از فعالیت‌هایی را که منطبق بر تخصص یا حوزه علاقه‌مندی‌تان است، انتخاب کرده‌برای شرکت در آن برنامه داوطلب شوید. علاوه بر این می‌توانید هر گونه فعالیت دیگری را که به‌ان علاقه دارید و امکان اجرای آن فراهم است، به این فهرست افزوده و با هماهنگی مرکز، برای اجرایی کردن آن اقدام کنید. سازمان‌های مردم‌نهادی هم که پروژه‌های ششان می‌توانند در قالب این برنامه اجرایی شوند، می‌توانند با مرکز تماس بگیرند تا نیروی داوطلب موردنیاز آنها از طریق کارکنان بنگاه‌های اقتصادی مشارکت‌کننده برای‌شان تأمین شود.

پزشکان، مهندسان، روانشناسان، وکلا، معلمان، دانشجویان و سایر اصنافی که به‌طور فردی مشغول فعالیت هستند نیز می‌توانند در برنامه‌های روز کار داوطلبانه شرکت کرده و تخصص خود را در راستای رفع نیازمندی‌های مطرح‌شده به کار گیرند.

**چگونگی پیوستن به این طرح**

مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی به‌عنوان یک سازمان مردم نهاد، مجری و تسهیل‌گر این طرح است و طی این فراخوان از بنگاه‌های اقتصادی می‌خواهد یا پیوستن به این مرکز، روز ۱۶ اردیبهشت را برای کار داوطلبانه کارکنان‌شان مشخص کرده و بگویند که در آن روز چه فعالیت‌های داوطلبانه‌ای توسط آنها انجام خواهد شد. مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی از بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های مردم‌نهاد و داوطلبان فردی خود خواه‌سند است هر چه سریع‌تر تمایل خود را برای پیوستن و مشارکت در این طرح اعلام کند تا هماهنگی‌های مسود ساز نیز هر چه بهتر بر گزار شدن برنامه انجام شود.